

من کرد باد وادی صبر و محکم ۱۵
چندین کند طول است
سکونت بدامگاه
رفته از خود چو بظلم از زمین بر خاست
بغنی بن بودیم ما و اسما در یک زمین
یا رب هر مسجد و میخانه که رفیق
بود از گدازت زده سر سبز بهاری
دیروم آینه تو حید نما بود
صومیکه کفایت از آن چشم سید داشت
تا با نکه گرم شد ابرع
خوش با سلسله بجمع
سبک از روی دل پر نور کاشان
بسکه شد در وقت خوش کاشان
دار از موج خطا لب صفا کاشان
کشت من سبب است از تردید غار کاشان
نفس آریین کرد در وقت کاشان
بسکه جویدت خون عضو عضو کاشان
دگر زلفش را خوار کرد کوه تا بد

چو خاک در طلم نشسته است
پاره کرده ام
نشسته است
فک کشیدم از سر دنیا و دین بر خور
او چنان بر خور است از جامن چنین
سجده است ز یک شعله بر خانه که رفیق
چو در رسته کتیبچه بر دانه که رفیق
بر خوریش ندیدیم بر خانه که رفیق
چو باده بر شیشه بیما نه که رفیق
چو سوت
ای پری پرور رفیق
نیشکر کرد در کوهی حصیر خانیام
چو نفس بر رفتی آمد هوا خانیام
سجده کافور کشف سیلاب در ویرانیام
ریشه از مودنگاه مور ز در زده انام
همه نقاش صوت پرود خانیام
گرفت از دست چو کلبه کشف خانیام
هست سوت از سلسله سینه خانیام
خانیام

خست مغزی رنگی را بکلی من خفته
بسکه از بوی سر زلفی سخن سر میکنم
گفته است از وحشت من لایح طبع و کما
چار دیوار بر آفتاب خسته است
از خیال شمع رخساری ز بس که درید
شعله اجل کرده سازد مغز را کشت
نشا قبل من که ناخوب کلبه خلق
حسن چهل ز طوطی از بهر آینه سینه
دگر زلفش را خور
هست سوت از سلسله
چنین دارند ربط معنوی با هم سر ایام
ز بس بر نور از یاد رخ آن کشتن روی
فروز صبح ایما رو نشسته از ظلمت کرم
کرد با و دست کرد بی پروا ما تمام
یاد کاری ز فلقی نیست غرا زین مرا
گفت یک ایام موج حیرت از این تاب
کوه هر از ناخوب کلبه خاک خندان
یاد آن شبها که از سرم تماشا می نمود

سیل بجهت کرد بر منجی در ویرانیام
کوش مردم نافه منکبت زشتیام
دار این صحی اهری در شیشه از دونه
بسکه پر کردید از کرد و کورت خانیام
شعله جواله با شکر کرد در شیره ام
خفته خار سر ادیوارانش خانیام
باش از کرد اندک رو کرد در شیره ام
شمع می مرد زبال شکر سر و پشته ام
کرد کوه تا بد
سجده صددم ام
که باز آیم هم چو شمع اگر کاشان
برو چو پیر تو فافوس ایاز سینه ام
ز یک خوشی با شکر کلبه سینه ام
مصرع بر جسته دیوان سر کرد انیم
پیرهن داری بجا مانده است از جردنیم
جوهر آینه کلبه شیر از جیر انیم
ورنه رنگ ستری میگردد ز غلط انیم
آب میسند چو عرق میر خیت از سیر انیم